

# قوانین جزایی حوزه میراث فرهنگی

## ضرورت بازنگری در اندیشه ها و روشها

محسن طبسی - مجتبی انصاری

فرآیند قانونگذاری جزایی در حوزه میراث فرهنگی از سال ۱۳۰۹ با تصویب قانون راجع به حفظ آثار ملی آغاز گردید و در حال حاضر، بازنگری قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵، قانون جاری کشور در این حوزه به شمار می آید. در طول سالهای مذکور، این فرآیند با نشیب و فرازهایی همراه بوده است و این مقاله بر آن است تا ضمن بررسی این فرآیند به چالشهای موجود در "اندیشه ها" و "روشها" اشاره نموده و راهکارهایی ارائه دهد.

در بخش نخست و در بحث *اندیشه ها*، با بررسی تعاریف موجود از میراث فرهنگی، به لزوم بازنگری در تعریف "میراث فرهنگی" اشاره شده است. به زعم نگارندگان، تعریف میراث فرهنگی در قوانین ایران نیازمند بازنگری جدی برای انطباق با قوانین شرعی از یک سو و متناسب شدن با تعاریف بین المللی این مقوله از سوی دیگر است.

بخش دوم که به *روشها* اختصاص دارد، ضمن بررسی قوانین، به دسته بندی آنها و بحث درباره افت و خیزهای قوانین جزایی این حوزه در گذر زمان می پردازد و با نگاهی به آمار تخلفات موجود و مرور قوانین سایر کشورها، نهایتاً "به روز شدن جرمه ها و مجازاتها و اعمال تضمین اجرایی قوی برای قانون موجود را به عنوان راهکار ارائه می دهد.

### مقدمه

فرهنگی پرداخته است، نکات جدید و مثبتی وارد قوانین این حوزه شد. تا سال ۱۳۵۷، یعنی تا پیش از انقلاب اسلامی، ماده ۱۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی تنها قانون جزایی لازم الاجرا در زمینه میراث فرهنگی در کشور ایران به شمار می آمد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، شورای انقلاب لزوم حفظ و توجه به میراث فرهنگی را مد نظر قرار داد و با تصویب لایحه قانونی جلوگیری از حفاریهای غیر مجاز در سال ۱۳۵۸، عملاً "اقبال نظام انقلابی را به امر میراث فرهنگی نشان داد. تصویب

نخستین گامهای مربوط به قانونمند کردن میراث فرهنگی، در سال ۱۳۰۹ ه.ش. با تصویب قانون راجع به حفظ آثار ملی برداشته شد. اگرچه در سال ۱۳۱۱ با تصویب نظامنامه اجرایی این قانون، این حرکت تداوم یافت ولی متأسفانه در زمینه قانونگذاری و یا اصلاح قوانین حوزه میراث فرهنگی، تا سال ۱۳۴۷ هیچ اتفاق دیگری روی نداد. در سال ۱۳۴۷ با تصویب ماده ۱۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی، که به امر میراث

دو ماده ۴۶ و ۴۷ از قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۲، که به میراث فرهنگی اختصاص داشت، این حوزه را نیز مشمول قوانین اسلامی گرداند. کاستیها و نارسایی هایی که در بخشهایی از این دو ماده به چشم می آمد، در بازنگری مجدد این قانون در سال ۱۳۷۵ به حداقل رسید. ضمن آن که نکات جدید مطرح شده در این بازنگری، میزان توجه قانونگذاران را به اهمیت میراث فرهنگی نشان داد. از ۱۳۷۵ تا امروز قانون جزایی جدیدی در حوزه میراث فرهنگی به تصویب نرسیده است؛ هر چند که قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ جدیدترین قانون کشور می باشد.

مقاله حاضر به قصد بررسی برخی کاستی ها و بعضاً تناقض های موجود در قوانین میراث فرهنگی کشور به رشته تحریر در آمده است و سعی دارد تا لزوم بازنگری در اندیشه ها و روشهای موجود را یادآوری نماید. مطالعه این موضوع، با این دیدگاه و به این شکل، تا کنون سابقه ای نداشته است. عمده مقالات موجود در مورد میراث فرهنگی، فاقد دیدگاه حقوقی است و معدود مقالاتی که به جنبه های حقوقی نظر دارند، بیشتر ناظر بر حقوق بین الملل هستند و کمتر جنبه انتقادی دارند (۱).

و اما منابعی که در تهیه این مقاله از آنها بهره گرفته ایم متنوع هستند. منبع اصلی، کتابی است با عنوان مجموعه قوانین مقررات آیین نامه ها بخشنامه ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور که به کوشش آقای یونس صمدی رندی فراهم آمده است. برای دستیابی به نظرات مراجع عظام تقلید، دوازده رساله توضیح المسائل را از مجتهدین بنام کشور مرور کرده ایم. در بررسی پرونده های تخلفات، به علل مختلف که در جای خود آمده است، فقط به آمار موجود در دفتر امور حقوقی و بین المللی سازمان میراث فرهنگی کشور بسنده کرده ایم. و نهایتاً در مطالعه قوانین سایر کشورها، از جزوات موجود در دفتر امور حقوقی و بین المللی سازمان میراث فرهنگی کشور بهره برده ایم. نگارندگان امیدوارند که

این مقاله بتواند بخش مهمی از مقوله میراث فرهنگی را، که شایسته توجهی بیش از این است، یادآوری نموده و سهم کوچکی در بهبود کیفیت حقوقی میراث فرهنگی کشور داشته باشد.

#### الف. بازنگری در اندیشه ها

اگر بپذیریم که اساس اندیشه درباره هر پدیده ای، با شناخت کامل و جامع از آن آغاز می شود، پس نقش تعریف را انکار ناپذیر دانسته ایم. به عبارت بهتر، تعریف هر پدیده، آن را برای ما روشن و واضح نموده و از سایر پدیده ها متمایز می گرداند. و باز با همان تعریف است که نشان می دهیم درک ما از آن پدیده تا چه حدی است و چه اهدافی در مورد آن داریم. میراث فرهنگی، پدیده ای است که متاسفانه ضرورت و اهمیت دقت نظر در تعریف آن، چنان که باید و شاید، هنوز حتی برای بسیاری از متخصصین این حوزه نیز روشن نیست.

#### الف-۱- مروری بر تعریف میراث فرهنگی مطابق قوانین ایران

قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹.ش، و نظامنامه اجرایی آن مصوب ۱۳۱۱، فقط قید زمانی اختتام سلسله زندیه را ملاک عتیقه بودن دانسته و وجود هرگونه ارزش و نفاست هنری و زیباشناختی را نادیده انگاشته است، غافل از آنکه عامل قدمت تنها عامل بوجود آورنده نفاست و ارزش نیست (۲). این تعریف مبهم تا سال ۱۳۵۲ به قوت خود باقی ماند. در این سال، ماده واحده ای برای قانون راجع به حفظ آثار ملی به تصویب رسید، که طبق آن به وزارت فرهنگ و هنر اجازه داد تا آثار غیر منقولی را که از نظر تاریخی یا شئون ملی واجد اهمیت باشند، صرفنظر از تاریخ یا پیدایش آن، با تصویب شورای عالی فرهنگ و هنر در فهرست آثار ملی به ثبت برسانند (۳). لازم به توضیح است که این ماده واحده، صرفاً برای ثبت بنای میدان آزادی (شهید

سابق) در فهرست آثار ملی تصویب شد. پس از گذشت چهل و سه سال از قانون راجع به حفظ آثار ملی در ۱۳۰۹، با روشن شدن اندهان عمومی و بالا رفتن سطح فرهنگ جامعه و اقبال عمومی نسبت به مقوله میراث فرهنگی، توقع می رفت که در سال ۱۳۵۲ به جای تصویب ماده واحده فقط برای یک بنای خاص، بازنگری جامعی در تعریف میراث فرهنگی در دستور کار قرار گیرد، که متأسفانه چنین نشد و همچنان تعریف موجود در قانون ۱۳۰۹ و ماده واحده ۱۳۵۲ تعریف رسمی میراث فرهنگی در کشور ما بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، و با شکل گیری سازمان میراث فرهنگی کشور نیز انتظار می رفت که سازمانی با نام میراث فرهنگی، تعریفی علمی از میراث فرهنگی مطابق با تعاریف بین المللی این مقوله ارائه نماید که باز هم متأسفانه چنین نشد. مطابق قانون اساسنامه سازمان مصوب ۱۳۶۷: " میراث فرهنگی، شامل آثار باقی مانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ می باشد و با شناسایی آن زمینه شناخت هویت و خط حرکت فرهنگی او میسر می گردد و از این طریق زمینه های عبرت برای انسان فراهم می آید." (۳). بدین ترتیب و مطابق این قانون، هر چیزی که شرط موجود در قانون را (یعنی فراهم سازی زمینه های شناخت هویت و عبرت آموزی) برآورده سازد، می تواند جزء میراث فرهنگی محسوب گردد. باید بپذیریم که اگرچه این تعریف در نوع خود بسیار معنوی و متعالی است، اما در مقایسه با قوانین سایر کشورها، بسیار کلی، مبهم، مطلق و نامحدود است و به نظر می آید که همه چیزی در آن می گنجد.

از سوی دیگر، این ابهام در تعریف میراث فرهنگی در ایران، در بقیه قوانین این حوزه نیز تاثیر منفی برجای گذاشته است، به طوری که کاملاً مشخص نیست که در قوانین و در اجرای آن، حمایت قانون از میراث فرهنگی پوششی است یا کزینشی. در واقع تعریف قانون ایران از میراث فرهنگی یک تعریف علمی نیست و فاقد معیارهای مشخص برای تشخیص اثر ملی است و این تشخیص را به نظرات کارشناسی منوط

کرده است که غالباً با یکدیگر متفاوت، و بعضاً متناقض هستند.

حتی در قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (مصوب ۱۳۸۲) نیز این مشکل مرتفع نشده است. در ماده ۲ این قانون چنین آمده است: " سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بر اساس اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷/۴/۲۸ و قانون توسعه صنعت ایرانگردی و جهانگردی مصوب ۱۳۷۰/۷/۷ اداره می شود... ". یعنی در این قانون، تعریف میراث فرهنگی به همان تعریف گذشته ارجاع داده شده و تغییری بوجود نیامده است.

#### الف-۲- مروری بر تعاریف بین المللی از میراث فرهنگی

برای آنکه مطمئن باشیم راه به خطا نرفته ایم، نگاهی می افکنیم به تعاریف بین المللی میراث فرهنگی. در این مرور قوانین زیر مد نظر قرار گرفته اند:

- قرارداد حمایت اموال فرهنگی هنگام جنگ - ۱۴ مه ۱۹۵۴ لاهه - فصل اول ماده یک (۵).
- کنوانسیون مربوط به اتخاذ تدابیر برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود و صدور و انتقال مالکیت غیر قانونی اموال فرهنگی - ۱۷ نوامبر ۱۹۷۰ - ماده یک (۶).
- کنوانسیون برای حمایت میراث فرهنگی و طبیعی جهان - ۲۳ نوامبر ۱۹۷۲ - مواد ۱ و ۲ (۷).
- قوانین حوزه میراث فرهنگی جمهوری یونان (۸).
- قوانین حوزه میراث فرهنگی کشور ایتالیا (۹).

در تمام این قوانین، که از مهمترین قوانین میراث فرهنگی می باشند، تعریف میراث فرهنگی یک تعریف مصداقی است که در آنها همه چیز دقیقاً و به صورت مشخص تبیین شده است.

نکته دیگری که در مورد تعریف میراث فرهنگی در ایران مطرح است این است که: در قوانین و تعاریف ما تا پیش از تصویب

قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در سال ۱۳۸۲، اصلاً جایگاه میراث طبیعی دیده نشده بود، حال آنکه در قوانین بسیاری از کشورها از جمله روسیه و ترکیه و یونان، از مدتها قبل چشم اندازه‌های طبیعی و پارکهای حیات وحش و ... نیز جزء اموال فرهنگی دانسته شده اند.

متأسفانه در قوانین ایران، هیچ متن حقوقی که محیط زیست را به صورت جامع و مانع تعریف کرده باشد، وجود ندارد و در قوانین موجود، از محیط زیست در رابطه با سه عنصر طبیعت و منابع طبیعی و شهر و مناظر سخن گفته شده است (۱۰). اگرچه پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده و پناهگاه های حیات وحش و آثار طبیعی ملی تحت پوشش سازمان محیط زیست قرار دارند و برای آنها قوانینی وضع شده است، اما بهتر به نظر می آید که برای لحاظ کردن جنبه های هنری و زیبایی شناختی مناظر، در فرآیند ثبت اثر ملی مطابق تعریف کنوانسیون ۱۹۷۲ میراث جهانی، میراث طبیعی نیز در کنار میراث فرهنگی در یک تعریف جامع دیده شود، که خوشبختانه در تبصره ماده ۲ قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری این موضوع لحاظ شده است (۱۱).

### الف-۳- مروری بر احکام شرعی در این باب

اما بحث دیگری که در ارتباط با بازنگری در اندیشه ها مطرح است، بحث فقهی در باب میراث فرهنگی است. ماهیت اصلی بحث نزد مجتهدین در باب گنج و ... مالکیت است، که به تبع آن خمس مطرح شده است. مطابق نظرات و احکام مجتهدین، اگر انسان در زمینی که ملک کسی نیست گنجی بیابد مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد، و اگر در ظرفهای متعددی که در یک جا دفن شده مالی پیدا کند که به حد نصاب برسد، باید خمس آن را بپردازد (یعنی مال خود اوست که باید خمس بدهد) (۱۲) در حالی که در بازنگری قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) چنین آمده است: "ماده ۵۶۲- هرگونه حفاری و کاوش به قصد بدست آوردن اموال تاریخی-فرهنگی ممنوع بوده و مرتکب به حبس از شش ماه تا

سه سال و ضبط اشیاء مکشوفه به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور و آلات و ادوات حفاری به نفع دولت محکوم می شود. تبصره ۱- هرکس اموال تاریخی- فرهنگی موضوع این ماده را بر حسب تصادف به دست آورد و طبق مقررات سازمان میراث فرهنگی کشور نسبت به تحویل آن اقدام ننماید، به ضبط اموال مکشوفه محکوم می گردد." (۱۳)

در این خصوص نیز نگاهی می اندازیم به قوانین سایر کشورها. مطابق قوانین ایتالیا، در هر صورت و هر نوع حفاری و اکتشاف، اعم از مجاز یا غیر مجاز تصادفی یا غیر تصادفی و ... به کاشف حق الکشف، و به مالک مبلغی به عنوان ضرر و زیان، بابت خسارت ملک وی پرداخت می شود و در هر صورت " اشیای کشف شده متعلق به دولت هستند." (۱۴) بر طبق ماده ۴۳ قوانین یونان، نیمی از کشفیات حفاریها به دولت متعلق است و نیمی دیگر در مالکیت مالک قرار می گیرد (۱۵). مطابق قوانین فرانسه، مالکیت کاشف یا مالک زمین نسبت به اثر یافت شده مورد تعرض دولت نیست، ولی چنانچه مالک آن را بفروشد، دولت می تواند خریدار باشد و البته در فروش عمومی آثار نیز حق اولویت با دولت است. در خصوص کشف اتفاقی نیز، آن دسته از آثاری که برای منافع ملی مهم تشخیص داده شوند، به نفع دولت ضبط می شود و به کاشف آن حق الکشف پرداخت می گردد (۱۶). و همه اینها زمانی است که شخص مطابق با شرایط خاص مندرج در قانون، مجوز لازم برای حفاری را از مراجع ذیصلاح مصرح در قانون مربوطه، اخذ نموده باشد. کشفیات بدست آمده از حفاریهای غیر مجاز، در تمام کشورها، تماماً متعلق به دولت هستند و حفاران غیر مجاز نیز مجازات خواهند شد.

حالا این سؤال مطرح است که آیا احکام شرعی ما برای همگامی با مسایل مستحدثه و شرایط جدید نیازمند بازنگری هستند، یا این که قوانین موجود باید برای مطابقت با شرع مورد بازبینی قرار گیرند تا این دوگانگی برطرف شود؟ این سؤالی است که جمعی از فقها و حقوقدانان باید برای آن

پاسخی مناسب بیابند. هدف ما در این قسمت فقط طرح سؤال و یادآوری این موضوع مهم می باشد.

### ب. بازنگری در روشها

پس از بحث ارائه شده در خصوص لزوم بازنگری در اندیشه ها، به بحثی دیگر تحت عنوان بازنگری در روشها می پردازیم. ابتدا باید ببینیم که چه فعالیتهایی از نظر قانون جرم شناخته شده و برای هر یک چه مجازاتهایی در نظر گرفته شده است. سپس نگاهی می افکنیم به سیر تحول مجازاتهای مرتبط بر اساس قوانین از سال ۱۳۰۹ (سال تصویب قانون راجع به حفظ آثار ملی) تا سال ۱۳۷۵ (سال بازنگری در قانون مجازات اسلامی). آنگاه بررسی پرونده ها و آمار جرایم و تخلفات انجام شده در این حوزه، در سالهای پس از ۱۳۷۵ به ما خواهد گفت که بازنگری سال ۱۳۷۵ موفقیت آمیز بوده است یا خیر، و در نهایت مرور قوانین سایر کشورها نیز به نوعی راهگشا تواند بود.

### ب - ۱- بازشناسی جرایم و مروری بر سیر تحول مجازاتها

در این بررسی قوانین زیر مد نظر بوده اند:

• الف . قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۲ آبانماه ۱۳۰۹ خورشیدی (معروف به قانون عتیقات) و نظامنامه اجرایی آن مصوب ۱۳۱۱ خورشیدی.

• ب . قانون الحاق ماده ۱۲۷ مکرر به قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۴۷ .

• ج . لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام اعمال حفاریهای غیر مجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیای عتیقه و آثار تاریخی که بر اساس ضوابط بین المللی مدت یکصد سال یا بیشتر از تاریخ ایجاد یا ساخت آن گذشته باشد مصوب ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ خورشیدی.

• د . مواد ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۲ (معروف به قانون تعزیرات)

• ه . فصل نهم از بازنگری قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مواد ۵۵۸ تا ۵۶۹ .

بر اساس این قوانین تخلفات و جرایم حوزه میراث فرهنگی عبارتند از:

• جرم شماره یک . منهدم کردن ،خراب کردن و مستور ساختن آثار ملی به اندود یا رنگ و رسم کردن نقوش و خطوط بر آنها.

• جرم شماره دو . تجاوز به حریم و تخلف از ضوابط حفاظتی حریم ابنیه تاریخی .

• جرم شماره سه . تعمیرات و مرمت غیر مجاز بناهای تاریخی .

• جرم شماره چهار . تغییر کاربری بناها و مجموعه های تاریخی .

• جرم شماره پنج . تجاوز به اراضی و تپه ها و اماکن مذهبی و تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی .

• جرم شماره شش . حفاریهای غیر مجاز .

• جرم شماره هفت . کشف اتفاقی آثار تاریخی در اثر حفاری و عدم تحویل آن .

• جرم شماره هشت . سرقت و معامله اموال و اشیای فرهنگی مسروقه .

• جرم شماره نه . معامله و خرید و فروش غیر مجاز اموال و اشیای فرهنگی .

• جرم شماره ده . صدور غیر مجاز یا قاچاق اموال و اشیای فرهنگی .

۱ . جرم شماره یک . منهدم کردن و خراب کردن و مستور ساختن آثار ملی به اندود یا رنگ و رسم کردن نقوش و خطوط بر آنها

جریمه نقدی این تخلف در سال ۱۳۰۹ ، بین ۵۰ تا ۱۰۰۰ تومان بود، به اضافه این که "ممکن است" مبلغ معادل خسارت نیز از مجرم دریافت شود (و ممکن است که دریافت

نشود). شدیدترین مجازات‌ها در سال ۱۳۴۷ نشان می‌دهد که ارزشهای میراث فرهنگی، به تدریج در حال آشکار شدن است. در این ماده مکرره، برای نخستین بار به تاسیسات و تزیینات و ملحقات و یا اشیاء و لوازم اماکن تاریخی نیز توجه شد. قانون مجازات اسلامی سال ۶۲ برای خرابی وارد کردن، حبس از یک تا ده سال و پرداخت خسارات؛ و برای مستور کردن و...، حبس از شش ماه تا دو سال به علاوه پرداخت خسارات وارده تعیین کرده، که عیناً در بازنگری سال ۷۵ تکرار گردید. تنها نکته مهم در بازنگری این است که خرابی وارد کردن به تزیینات و ملحقات و تاسیسات و اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن تاریخی و فرهنگی یا مذهبی، که مستقلاً نیز واجد حیثیت فرهنگی و تاریخی یا مذهبی باشند، دارای مجازات است. به عبارت دیگر، برای نخستین بار برای جرم تخریب، تعریف کامل و جامعی ارائه شده است.

#### ۲. جرم شماره دو. تجاوز به حریم و تخلف از ضوابط حفاظتی حریم ابنیه تاریخی

حریم منظور نظر قانونگذار، مشخصاً "حریم حفاظتی و فنی است و عملاً" به حریم منظری و زیست محیطی، توجهی جدی نشده است. ولی خوشبختانه، باز هم شاهد افزایش مجازات‌ها تا حد قابل قبولی در سال ۷۵ هستیم. به نظر می‌رسد که بهتر است تعریف جامعی از حریم ارائه شود و در بازنگری قوانین، مجازات‌هایی برای تخلفات در حریم منظری و زیست محیطی نیز در نظر گرفته شود.

#### ۳. جرم شماره سه. تعمیرات و مرمت غیر مجاز بناهای تاریخی

متأسفانه مجازات‌های مربوط به این تخلفات در سال ۶۲ فقط به جبران خسارات وارده محدود شده و برای آن جریمه نقدی یا حبس در نظر گرفته نشده بود، ولی در بازنگری سال ۷۵

مجدداً مجازات‌های شدیدتری (حبس از شش ماه تا دو سال و پرداخت معادل خسارات وارده) پیش بینی شده است.

#### ۴. جرم شماره چهار. تغییر کاربری بناها و مجموعه های تاریخی

نکته مهمی که در بازنگری سال ۷۵ وارد قوانین جزایی کشور شد، مفهوم تغییر کاربری است. تغییر کاربری ابنیه و اماکن و محوطه های مذهبی و فرهنگی و تاریخی بر خلاف شووئنات اثر و بدون مجوز، مجازاتی شامل حبس از سه ماه تا یک سال و جبران خسارات وارده و نیز رفع آثار تخلف را به همراه خواهد داشت. می‌توان گفت که این موضوع که در قوانین پیشین بی سابقه بوده، به لحاظ محتوای فرهنگی، غنای بیشتری به قانون مصوب سال ۷۵ داده است و نشان دهنده توجه قانونگذاران به اهمیت مقوله میراث فرهنگی می‌باشد.

#### ۵. جرم شماره پنج. تجاوز به اراضی و تپه ها و اماکن مذهبی و تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی

برای نخستین بار در ماده ۱۲۷ مکرر سال ۴۷ برای این جرم مجازاتی به میزان شش ماه تا دو سال حبس پیش بینی شد، البته مشروط بر این که دولت حدود و مشخصات مناطق مورد نظر را در محل تعیین و علامت گذاری کرده باشد. این کار، عملاً" توسعه درک و تلقی قانونگذاران از مفهوم میراث فرهنگی را نشان می‌دهد، که در کمال تعجب و بدون هیچ افزایشی در سال ۶۲ و در بازنگری سال ۷۵ عیناً تکرار می‌شود.

#### ۶. جرم شماره شش. حفاریهای غیر مجاز

اگرچه میزان مجازات در سالهای ۱۳۴۷ (ماده ۱۲۷ مکرر) و ۱۳۵۸ نسبت به سال ۱۳۰۹ افزایش یافت، اما متأسفانه در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۲ با کاهش مواجه گردید، ولی در بازنگری سال ۱۳۷۵ این کاستی رفع شده و مجازاتی

به میزان حبس از شش ماه تا سه سال، به علاوه ضبط اشیای مکشوفه، به اضافه ضبط آلات و ادوات حفاری پیش بینی شد.

#### ۷. جرم شماره هفت . کشف اتفاقی آثار تاریخی در اثر حفاری و عدم تحویل آن

مجازات کشف تصادفی یا اتفاقی، و عدم اطلاع دادن به دولت، در سال ۱۳۰۹ بین ۲۰ تا ۲۰۰۰ تومان بود، به اضافه این که اشیای مکشوفه نیز برای دولت ضبط می شده است. بر اساس ماده ۱۲۷ مکرر، چنانچه کسی حتی در ملک خود بر حسب اتفاق اشیایی را به دست آورد، باید حداکثر ظرف پانزده روز به دولت اطلاع دهد، در غیر این صورت به حبس از سه ماه تا یک سال و پرداخت ۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد . مطابق قانون بازنگری شده در سال ۷۵، متخلف فقط به ضبط اموال مکشوفه محکوم می شود. البته به نظر می رسد که عدم تعیین مجازات برای متخلفان از قانون (در خصوص عدم مطلع کردن دولت و عدم تحویل اموال و آثار ملی) از جمله اشکالاتی است که در اصلاحات بعدی ضرورتاً باید مرتفع گردد.

#### ۸. جرم شماره هشت . سرقت و معامله اموال و اشیای فرهنگی مسروقه

برای سرقت اشیا و لوازم و مصالح و قطعات آثار ملی و تاریخی از موزه ها و ... و نیز خرید و فروش و پنهان کردن آنها در سال ۱۳۲۷ در ماده ۱۲۷ مکرر مجازات حبس از دو تا پنج سال پیش بینی شد. در سال ۱۳۶۲ این مجازات، در حد پانینی خود به میزان یک سال و کلاً" به یک تا پنج سال حبس محدود گردید (البته مشروط بر این که مشمول مجازات حد سرقت نشود). در بازنگری سال ۱۳۷۵ با همان شرط عدم شمول حد سرقت، مجازات علاوه بر حبس به همان میزان، استرداد اشیای مسروقه را نیز شامل می شود و می توان گفت، بالاخره قانونگذاران در سال ۷۵ به سرنوشت اشیای

موضوع قانون نیز توجه کرده و استرداد آنها را نیز جزء مجازات آوردند. یعنی امری که در قوانین پیشین صراحتاً" به آن توجه نشده بود.

#### ۹. جرم شماره نه . معامله و خرید و فروش غیر مجاز اموال و اشیای فرهنگی

نکات جدید و مهمی در بازنگری سال ۷۵ در این خصوص به قانون اضافه شده که مایه امیدواری است. از جمله ماده ۵۶۵ در مورد خرید و فروش و انتقال اموال غیر منقول بای نحو کان می باشد، که در قوانین گذشته سابقه نداشته و برای آن مجازاتی معادل حبس از سه ماه تا یک سال در نظر گرفته شده است. همچنین تبصره ماده ۵۶۸ این قانون که می گوید: " تبصره - اموال فرهنگی و تاریخی حاصله از جرایم مذکور در این فصل تحت نظر سازمان میراث فرهنگی کشور توقیف [ می شود] و ... " و بدین ترتیب سرنوشت اشیای مورد معامله را مشخص می کند، حال آن که در بند هشت ماده ۱۲۷ مکرر و در بند هفت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی سال ۶۲ وضعیت اشیای موضوع قانون مشخص نشده و فقط به تعیین مجازات بسنده شده بود.

اما در همین مورد، باید به یک نقطه ضعف نیز در مورد تبصره ۲ ماده ۵۶۲ بازنگری سال ۷۵ اشاره کرد، و آن این است که به نظر می رسد با توجه به سود سرشاری که از حفاریهای غیر مجاز نصیب متخلفان می شود، حد پانینی مجازات (یعنی شش ماه حبس)، خود می تواند به نوعی باعث تشویق متخلفان گردد؛ در حالی که محدوده مجازات باید به گونه ای تنظیم شود، که متخلف از ترس همان حداقل مجازات نیز، از مبادرت به تخلف منصرف گردد.

#### ۱۰. جرم شماره ده . صدور غیر مجاز یا قاچاق اموال و اشیای فرهنگی

جریمه این جرم در سال ۱۳۰۹ معادل ۲۰ تا ۲۰۰۰ تومان، به علاوه ضبط اموال مکشوفه بود که در سال ۴۷ به حبس از یک تا سه سال تشدید گردید. متأسفانه این مجازات در سال ۶۲ به حبس از شش ماه تا دو سال تخفیف یافت، ضمن این که این قانون تصریح می کند که در شروع به جرم قاچاق، عین مال ضبط نخواهد شد. خوشبختانه این نارسایی در بازنگری سال ۱۳۷۵ مرتفع، و مجازاتی شامل استرداد اموال، به اضافه حبس از یک تا سه سال، و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق، تعیین می شود.

### ب-۳- مطالعه قوانین سایر کشورها

در ادامه بحث، برای این که کیفیت قوانین کشور خود را نسبت به سایر کشورهای صاحب میراث فرهنگی غنی بشناسیم، قوانین حوزه میراث فرهنگی کشورهای فرانسه و یونان و ایتالیا و ترکیه و روسیه را برای این بررسی انتخاب کرده ایم (۱۸). هرچند که بنا به دلایلی، امکان مطالعه تطبیقی بر اساس یک جدول وجود ندارد (۱۹) اما از مطالعه و مرور قوانین این کشورها، چنین بر می آید که قوانین موجود کشور ما از موقعیت خوبی در مقایسه با این کشورها برخوردار است. حتی بعضی مفاهیم، نظیر تغییر کاربری بناهای تاریخی، در قوانین ایران لحاظ شده است، ولی در قوانین دیگر کشورها به چشم نمی آید (۲۰).

به عنوان نتیجه این بحث باید گفت که اگرچه قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۲ در حوزه میراث فرهنگی، مجازاتهایی کمتر از حد انتظار و توقع برای جرایم این حوزه تعیین کرده بود، اما خوشبختانه بازنگری سال ۱۳۷۵ ضمن رفع کاستی ها و نواقص و واقعی کردن مجازاتها، مفاهیم و تعابیر جدیدی، نظیر تغییر کاربری را نیز وارد قوانین جزایی کشور نمود. البته باید خاطر نشان ساخت که در حال حاضر، این بازنگری خود محتاج نقدی جدی تر از سوی حقوقدانان و همچنین نیازمند به بروز شدن جریمه های نقدی و غیر نقدی می باشد. به نظر می رسد که افزایش سالانه جریمه ها مطابق عرف حاکم بر ساختار اقتصادی کشور (یعنی متناسب با افزایش سالانه میزان تورم) راهکار مناسبی در این خصوص باشد.

### ب-۲- نگاهی به آمار جرایم از ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰

با بازنگری انجام شده در سال ۱۳۷۵، توقع داریم که چون میزان مجازاتها دارای بازدارندگی لازم و تاحدی کافی برای جلوگیری از وقوع جرم می باشد، بنابراین آمار جرایم مختلف کاهش یابد. لذا در این قسمت مطابق جدول زیر به آمار جرایم رجوع می کنیم (۱۷).

از بررسی جدول شماره یک، می توان نتیجه گرفت که تعداد پرونده ها، یا به عبارتی میزان تخلفات، تا حد قابل توجه اما نه راضی کننده ای، کاهش یافته است. همچنین با یک



جدول شماره یک - آمار تعداد پرونده های جرایم حوزه میراث فرهنگی کشور در فاصله سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰.

جرم	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	*	جمع
جرم شماره یک	۱۲۶	۱۵۰	۱۴۰	۶۱	۱۱۲	۱۴۵	۷۴	۸۰۸
جرم شماره دو	۱۳۸	۱۵۷	۱۴۰	۲۸	۵۳	۵۸	۴۳	۶۱۷
جرم شماره سه	-----	-----	۱۰۹	۸	۱۰۲	۵۴	۴۶	۳۱۹
جرم شماره چهار	-----	-----	-----	۳	۱۹	۶	۱۶	۴۴
جرم شماره پنج	۹۰	۶۸	۴۸	۲۶	۳۶	۲۱	۳۲	۳۲۱
جرم شماره شش	۴۲۳	۴۶۹	۶۷۱	۲۲۲	۴۰۷	۴۵۱	۴۱۳	۳۱۰۰
جرم شماره هفت	۱۶۱	۱۴۹	۲۱۴	۹۳	۱۳۲	۱۳۸	۶۵	۹۵۲
جرم شماره هشت	۵۹	۲۴	۴۳	۱۸	۳۳	۳۰	۱۱	۲۱۸
جرم شماره نه	۱۵۱	۸۵	۹۹	۶۷	۷۸	۹۳	۳۰	۶۰۳
جرم شماره ده	۶۵	۸۵	۲۱۳	۵۰	۶۶	۱۷	۲۳	۵۱۹
جرایم متفرقه	۱۷۱	۱۵۲	۲۰۱	-----	-----	-----	-----	۵۲۴
جمع	۱۳۸۴	۱۳۳۹	۱۸۷۸	۵۷۶	۱۰۳۸	۱۰۱۳	۷۵۳	۷۹۸۱

\* پرونده هایی که تاریخ وقوع آنها از طریق واحد صنفی اعلام نشده است.

## نتیجه گیری:

به عنوان نتیجه این بحث نسبتاً مفصل، باید گفت که بر اساس مطالعات انجام شده که مشروح آن در این مقاله آمده است، اندیشه های حقوقی و فقهی درباره میراث فرهنگی، به ویژه در حوزه تعاریف، نیازمند بازنگری جدی است. از سوی دیگر، اگرچه قوانین موجود با کاستیها و نواقصی همراه هستند، اما کارآمدی آنها تا حدی به اثبات رسیده است؛ لذا به نظر نگارندگان، چالش موجود در روشها، نه ضعف قوانین و نه عدم وجود ماده قانونی مناسب، بلکه نبود تضمین اجرایی قوانین موجود است که بررسی آن و ارائه راهکارهای مناسب برای آن خود فرصتی دیگر می طلبد.

## یادداشتها:

۱. از جمله ر ک: منابع شماره ۵ و ۶ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۲۵.
۲. البته چنانچه این تعریف را در زمان خودش و با توجه به شرایط آن دوران نگاه کنیم تعریف بسیار پیشرو و روشنفکرانه ای بوده است. ر ک: منبع شماره ۱۲. ص ۳۹ و ۱۸۹.
۳. همان. ص ۵۰.
۴. همان. ص ۵.
۵. همان. ص ۹۱-۹۰.
۶. همان. ص ۶۰.
۷. همان. ص ۷۴-۷۳.
۸. منبع شماره ۴. یونان.
۹. منبع شماره ۴. ایتالیا.
۱۰. جهت اطلاع از حقوق محیط زیست در ایران ر ک: منبع شماره ۲ ص ۷ و ۱۲.
۱۱. تبصره ماده ۲ قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مصوب ۱۳۸۲: "سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مکلف است به منظور هماهنگی در چگونگی امکان بهره گیری از میراث های طبیعی کشور و اجرای تعهدات مطروحه در کنوانسیون حفاظت میراث فرهنگی و طبیعی جهان نسبت به تدوین آئین نامه ای با پیشنهاد مشترک سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و سازمان

حفاظت محیط زیست اقدام کند. آئین نامه مذکور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید."

۱۲. جهت اطلاع بیشتر ر ک: منبع شماره ۲۲. ص ۲۷۴.
۱۳. منبع شماره ۱۳. ص ۱۴.
۱۴. منبع شماره ۴. ایتالیا. قانون اول ژوئن ۱۹۳۹. ماده ۴۹ و ۴۷ و ۴۴.
۱۵. منبع شماره ۴. یونان. ماده ۴۳.
۱۶. منبع شماره ۴. فرانسه. ماده ۵ و ۶ قانون راجع به حفاریهای باستان شناسی و اکتشافات تصادفی مصوب ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۱.
۱۷. در خصوص این آمار لازم به ذکر است که سعی داشتیم که از پرونده های موجود در اداره آگاهی نیروی انتظامی کشور و وزارت دادگستری نیز آمار تهیه کنیم اما متأسفانه بنا به دلایلی مقدور و میسر نگردید لذا ناچاریم به آمار اخذ شده از دفتر امور حقوقی و بین المللی سازمان میراث فرهنگی کشور بسنده کنیم.
۱۸. ر ک: منبع شماره ۴. قوانین تمام کشورها.
۱۹. به روز نبودن بعضی قوانین و نبودن معیار مشخصی برای معادل سازی جرایم و نیز دیدگاه های حقوقی مختلفی که بر قوانین کشورها حاکم است از جمله این دلایل می باشند.
۲۰. البته در قوانین دیگر کشورها نیز تخلفاتی هست که در قوانین ما وجود ندارد و شاید هم لزومی نداشته باشد. مثلاً" در قوانین یونان حفاری به شرط اخذ مجوز برای اشخاص مجاز است. یا این که در قوانین همین کشور ساخت کپی و قالب و مدل از روی مجسمه ها و آثار جرم تلقی می شود و موارد متعدد دیگری از این دست.

## فهرست کامل منابع و مآخذی که برای تهیه

### این مقاله پژوهشی به آنها رجوع شده است:

۱. اراکی، (حاج شیخ) محمد علی. توضیح المسائل، قانون انتشار پیام محراب. بی جا. ۱۳۷۲.
۲. تیریزی، (حاج شیخ میرزا) جواد. توضیح المسائل، دفتر نشر برگزیده، تهران. ۱۳۷۵.
۳. تقی زاده انصاری، مصطفی. حقوق محیط زیست در ایران، سمت، تهران. ۱۳۷۴.

۴. جزوات قوانین فرانسه و ایتالیا و یونان و ترکیه و روسیه. آرشیو دفتر امور حقوقی و بین المللی سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران.
۵. چراغچی. سوسن. اعلامیه جهانی یونسکو در مورد تنوع فرهنگی. اثر. ش. ۳۵ (تابستان ۸۲). ص. ۱۲۵-۱۲۲.
۶. ----- . منشورهای بین المللی حفاظت از میراث فرهنگی. اثر. ش. ۲۲ و ۳۱ (سال ۱۳۷۹). ص. ۱۱۴-۱۲۹.
۷. حسینی سیستانی. (حاج) سید علی. توضیح المسائل. چاپ سیزدهم. هاتف. مشهد. ۱۳۷۶.
۸. رضا زاده. مجتبی. جزوه مبانی نظری مرمت. بسیج دانشجویی دانشکده میراث فرهنگی. تهران. بی. تا.
۹. شبیری زنجانی. (حاج) سید موسی. توضیح المسائل. نشر ولا. بی. تا.
۱۰. شریعتمداری. سید محمد کاظم. توضیح المسائل. جاویدان. بی. تا.
۱۱. صافی گلپایگانی. (حاج شیخ) لطف الله. توضیح المسائل. چاپ بیست و دوم. انتشارات حضرت معصومه. بی. تا. ۱۳۷۸.
۱۲. صناعی. یوسف. توضیح المسائل. دفتر نشر مصطفی. قم. ۱۳۷۲.
۱۳. صمدی رندی. یونس. مجموعه قوانین و مقررات و آئین نامه ها و بخشنامه ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور. چاپ سوم. سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه). تهران. ۱۳۷۶.
۱۴. ----- . کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب. اثر. ش. ۳۵ (تابستان ۸۲). ص. ۱۵۱-۱۳۶.
۱۵. ----- . نگاهی به پروتکل ۱۹۹۹ (پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه ...). اثر. ش. ۲۴-۳۲ (بهار و تابستان ۱۳۸۱). ص. ۴۴۰-۴۲۴.
۱۶. ----- . نگاهی به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در مورد حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ. اثر. ش. ۳۰-۲۹ (سال ۱۳۷۷). ص. ۱۴۵-۱۳۶.
۱۷. طباطبایی بروجردی. (حاج آقا) حسین. توضیح المسائل. جاویدان و فراهانی. بی. تا.
۱۸. طبسی. محسن. جزوه مبانی نظری مرمت (بخش اول: تاریخچه و قوانین و تشکیلات). دانشگاه سیستان و بلوچستان. دانشکده هنر. زاهدان. ۱۳۷۹.
۱۹. فاضل لنگرانی. (حاج شیخ) محمد. توضیح المسائل. مهر. بی. تا. ۱۳۷۹.
۲۰. گلپایگانی. سید محمد رضا. توضیح المسائل. دار القرآن الکریم ایران. قم. بی. تا.
۲۱. مکارم شیرازی. رساله توضیح المسائل. چاپ هفدهم. هاتف. مشهد. ۱۳۷۶.
۲۲. موسوی (امام) خمینی. روح الله (ره). توضیح المسائل. چاپ دوم. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). تهران. ۱۳۷۸.
۲۳. موسوی. خوبی. (حاج) سید ابوالقاسم. توضیح المسائل. مهر. قم. بی. تا.
۲۴. واحدی. قدرت الله. مقدمه ی علم حقوق. چاپ سوم. کتابخانه گنج دانش. تهران. ۱۳۸۰.
۲۵. یوکیلتو. یوکا. استانداردها و اصول و منشورهای بین المللی حفاظت. ترجمه سوسن چراغچی. اثر. ش. ۳۰-۲۹ (سال ۱۳۷۷). ص. ۱۳۵-۱۲۱.